

چندآوایی لیبرال: معانی مختلف لیبرالیسم

درآمد: از معانی گوناگون لیبرالیسم چه می‌دانیم؟ چرا بعضی از احزاب لیبرال خود را «چپ» یا «رادیکال» می‌خوانند؟ عنصر اصلی لیبرالیسم چیست؟ آیا لیبرالیسم رو به افول است؟^۱

در ماه ژوئیه، سیاست آمریکا به یکی از نقاط اوج هر چهار سال یک‌بار خود رسید: همایش دو حزب عمده‌ی آمریکا برای گزینش نامزد خود در انتخابات ریاست جمهوری. در میان این هیاهو، یک کلمه به طرز عجیبی غایب بود. «لیبرالیسم» در آمریکا - و دیگر نقاط جهان - در حال محو شدن است.

روزگاری دموکرات‌ها با افتخار شعار «لیبرالیسم» سر می‌دادند - همین کلمه برای جمهوری خواهان نقش لولو را داشت. پت بیوکانن، یکی از جمهوری خواهان محافظه‌کار و شورشی، در یکی از سخنرانی‌های پرشور خود در همایش این حزب، علیه «لیبرال‌ها و رادیکال‌ها» اعلام «جنگ فرهنگی» کرد. فرانک لانتس، یکی از مشاوران جمهوری خواهان، به آنها توصیه کرد که برای بدنام کردن دموکرات‌ها، کلماتی مانند «لیبرال»، «بیمار»، «فاسد» و «خائن» را در کنار هم استفاده کنند.

لیبرال‌های قدیمی‌تر هنوز از این کلمه استفاده می‌کنند: پل کروگمن، اقتصاددان، در نیویورک تایمز ستونی با عنوان «وجدان یک لیبرال» دارد، و تامس فرانک در کتاب خود به نام «لیبرال، گوش کن» دموکرات‌ها را به علت نادیده گرفتن طبقه‌ی کارگر سرزنش می‌کند. هنگامی که هیلاری کلینتون در ایمیلی تیم کین را به عنوان معاون اول خود معرفی می‌کرد، می‌دانست فعالان مشتاق دوست دارند چه کلمه‌ای را بشنوند: «تیم در تمام عمر خود در راه آرمان‌های مترقی جنگیده است.» «مترقی» جای «لیبرال» را گرفته و احتمالاً جمهوری خواهان آخرین کسانی اند که از آن کلمه‌ی قدیمی‌تر استفاده می‌کنند؛ مثلاً آنها به طور مکرر از «رسانه‌های لیبرال» یا «ارزش‌های لیبرالی» شکایت می‌کنند.

کلمه‌ی «لیبرال» در دوران رواج خود معانی مختلفی داشته است. اسپانیایی‌هایی که در سال ۱۸۱۴ با فرمان شاه برای تعلیق قانون اساسی مخالفت کردند اولین لیبرال‌های سیاسی بودند، و این اصطلاح از آنجا به فرانسه راه یافت. اما این کلمه در انگلستان ریشه‌های عمیقی دواند، و در فلسفه با جان استوارت میل و در سیاست با حزب لیبرال پیوند یافت. جیمز ویلسون، بنیانگذار هفته‌نامه‌ی *اکنومیسیت*، از اعضای لیبرال پارلمان انگلستان در قرن نوزدهم بود. این نشریه حامی لیبرالیسمی است که بر آزادی فردی، بازار آزاد و دولت محدود تأکید می‌کند.

^۱ این مقاله برگردان اثر زیر است:

اما با مرور زمان این کلمه سرنوشت دیگری یافت. در کشورهای فرانسوی و اسپانیایی زبان، کلمه‌ی «لیبرال»، اینک اغلب به همراه پیشوند «نئو»، واژه‌ای منفور است و در معنایی کاملاً متضاد با معنای آمریکایی این کلمه به کار می‌رود: برای توصیف فلسفه‌ی اقتصادی مبتنی بر دولتی کوچک و سنگدل، و نظمی جهانی به کار می‌رود که در آن بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به کشورهای فقیر امر و نهی کرده و آنها را به پذیرش سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد وامی‌دارد. در آمریکا، پیوند لیبرالیسم با دولت بزرگ، و نه کوچک، با برنامه‌ی اصلاحات (New Deal) فرانکلین روزولت آغاز شد.

ظاهراً در بعضی جاها کلمه‌ی «لیبرال» هیچ معنایی ندارد. حزب لیبرال دموکراسی حاکم بر ژاپن، اندکی محافظه‌کار و ملی‌گرا است. در روسیه، حزبی با همین نام، آشکارا فاشیست است. حزب ناکام لیبرال دموکرات در بریتانیا و حزب لیبرال حاکم بر کانادا از معدود احزابی‌اند که اسم و رسم «لیبرال» دارند.

واژه‌ی «لیبرال» ریشه‌ی مشترکی با «آزادی» (liberty) و «رهایی‌بخشی» (liberation) دارد. با این حال، بسیاری این دو کلمه‌ی دیگر را به کار می‌برند اما به هیچ وجه لیبرال نیستند: دونالد ترامپ، در کلیوند با چهره‌ای در هم کشیده، گفت که قصد دارد «شهروندان مان را از ... جرم و تروریسم و بی‌قانونی» رها کند. این ادعا، نمونه‌ای کلاسیک از محافظه‌کاری مبتنی بر نظم و قانون است و کسی آن را با هیچ معنایی از واژه‌ی «لیبرال» اشتباه نمی‌گیرد.

به سبب چنین آشفتگی‌های فراوانی بر سر واژه‌ی «لیبرال»، بدیل‌هایی برای آن پدید آمده است. نام‌های بسیاری از احزاب لیبرال کاملاً گمراه‌کننده است: حزب حاکم دانمارک، «چپ» (Venstre) نام دارد هرچند در واقع راست میانه‌رو است. در کشورهای دیگر، مانند فرانسه، حزب لیبرال نام تعجب‌برانگیز دیگری به خود گرفته: «رادیکال». نامی که یادآور زمانی است که محدود کردن دولت واقعاً کاری رادیکال بود.

از دهه‌ی ۱۹۶۰، در کشورهای غربی بحث بر سر چگونگی سهمیه‌بندی اقتصادی تا اندازه‌ای جای خود را به دغدغه‌های «پسا صنعتی»، مانند محیط زیست و حقوق زنان، داده است. احزابی که بر این دغدغه‌ها تمرکز دارند، امروزه معمولاً خود را «سبز» می‌خوانند و نه لیبرال. کسانی که برای آنها حریم خصوصی و عدم مداخله‌ی دولت اولویت دارد خود را «لیبرترین» می‌خوانند، کلمه‌ای که با «لیبرال» و «آزادی» (liberty) هم‌ریشه است. لیبرترین‌های چپ گاهی اوقات خود را به شوخی «لیبرالتارین» می‌خوانند که این امر بر پیچیدگی‌های کار می‌افزاید. اگر چه تعریف «لیبرال» آسان نیست اما تشخیص رقیبانش، اقتدارگرایی و بنیادگرایی، آسان است. هر اندازه که معنای واژه‌ی «لیبرال» مغشوش باشد اما تردیدی نیست که یکی از عناصر آن خوش‌بینی است. حتی اگر خود کلمه‌ی «لیبرال» در حال محو شدن باشد، ایمانی که در پس آن نهفته، محو شدنی نیست.

برگردان: هامون نیشابوری